



ارزیابی نظام نقدی کردن یارانه ها در کشور

گلی در شوره زار

در شرایط کنونی نرخ تورمی ۵۰ درصدی را برای کشور از آزادسازی قیمت‌ها و اجرای طرح نقدی کردن یارانه‌ها می‌توان پیش بینی کرد.

پس از ابلاغ جراحی بزرگ اقتصاد که در آغازین لحظات سال جاری توسط ریاست محترم جمهور مطرح گردید، طرح تحول اقتصادی دولت نهم که در هفت حیطة اقتصادی، این دولت و دولت‌های پس از آن را ملزم به رعایت اصولی و زیربنایی راهکارهای این طرح می‌نماید، ارایه شد. این هفت حیطة عبارت بودند از: نظام بهره‌وری، نظام توزیع یارانه‌ها، ساختار مالیاتی، اصلاح سیستم گمرک، نظام بانکی، نظام ارزش‌گذاری پول ملی و نظام توزیع کالا و خدمات.

طرح فوق، اگرچه برای اولین بار نیست که در کشور مطرح می‌گردد و پیش از این نیز، با موارد بیشتری، همچون اصلاح قانون کار در طرح سامان‌دهی اقتصادی یا در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه مطرح شده بود، اما با نظرات موافق و مخالف اقتصاددانان و سیاستمداران اقتصادی مواجه شد. آنچه که بیش از هرچیز، در طرح تحول اقتصادی دولت خودنمایی می‌کند، موضوع پرداخت نقدی یارانه‌ها است. پرداخت رقمی معادل ۹۰ هزار میلیارد ریال یارانه مستقیم و غیرمستقیم در سال، بار سنگینی از هزینه‌های عمومی را به دولت تحمیل کرده است. این در حالی است که پرداخت مستقیم این مبلغ یارانه و تزریق ریالی آن به جامعه از یک طرف، به رفاه ریالی مردم و از طرف دیگر، به آزادسازی قیمت‌ها و درد تورم خواهد

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۲۴ بایگانی مشکلات در ایران

۲۵ چکیده طرح تحول اقتصادی دولت

۲۶ تحول، تازه نیست

۲۷ در حسرت فرصت‌ها

۲۸ بایدها و نبایدهای طرح تحول اقتصادی

۳۰ اولین نشست طرح تحول اقتصادی

رقمی فزاینده در کشور، حجم بالای نقدینگی، سرعت گردش پول، ضریب تکاثر نقدینگی، ریسک‌های اقتصادی و سیاسی موجود، پایین بودن ظرفیت‌های تولید علیرغم همه حمایت‌های دولت، پایین بودن سطح درآمد سرانه در کشور و معیشت اقتصادی ناچیز مردم، همگی از نقاط ضعف بسترهای اقتصادی در کشور می‌باشند که توان پذیرش اصول آزادسازی یارانه‌ها را در این برهه از زمان، با سؤال مواجه می‌سازند. ساده‌انگارانه است که تصور کنیم، آزادسازی قیمت‌ها فقط در مورد اقلام یارانه‌ای صورت می‌پذیرد و سایر اقلام مصرفی خانوار با تورم مواجه نخواهد شد. به علاوه، سؤال این است که آیا یارانه پرداختی به صورت مستقیم برای جبران کاهش قدرت خرید خانوار در همه اجزای مصرفی، کافی خواهد بود؟

اگرچه آزادسازی قیمت‌ها و پرداخت یارانه‌های مصرفی، به اصلاح نظام مصرف و منطقی نمودن آن خواهد انجامید و اسراف و تبذیر را که متأسفانه جامعه امروز ما با آن دست به گریبان است، به حداقل خواهد رساند، اما نباید تصور کرد که اصلاح نظام یارانه‌ها در قالب طرح‌های کارشناسی شده و زمان‌بندی شده که همه جوانب امر و اثرات مثبت و منفی آن مورد مطالعه و تأیید کارشناسان واقع گردیده، به مراتب کارآتر از حذف غیرکارشناسی و عجولانه یارانه‌ها است، زیرا ممکن است، تبعات منفی آن از آثار مثبت، بیشتر و خطرناک‌تر باشد.

راهکارها

در این راستا می‌توان، راهکارهای زیر را در جهت کاهش هزینه‌ها و تبعات اجرایی کردن طرح پرداخت نقدی یارانه‌ها مطرح نمود:

۱) فراهم نمودن بسترهای منطقی پولی، بانکی،

باز توزیع یارانه

بدون شک، حذف یارانه‌ها، از مسایلی است که در تئوری، پسندیده و قابل قبول است، اما آماده نبودن بسترهای جامعه نظیر: مهار نشدن تورم دو

مالی، ارزی و کنترل سطح تورم، کنترل نقدینگی (۲) ایجاد ثبات در اقتصاد کلان و بازارها (۳) سامان دهی محیط کسب و کار و بهبود وضع اشتغال و معیشت مردم، اصلاح روانی و منطقی نظام

مصرف و هدایت جامعه به سمت مصرف متوازن (۴) سامان دهی بازار سرمایه داخلی در کنار جذب سرمایه های خارجی (۵) حذف ریسک های داخلی و بین المللی در جهت بهره برداری از مزیت های نسبی موجود، ایجاد مزیت رقابتی در کشور و هدایت مزیت های موجود در جهت بهبود اقتصاد و معیشت در جامعه

(۶) تقویت تولید در جامعه، با حمایت واقعی از تولیدکنندگان و ارتقای سطح تولید، جهت رفع نیازهای داخلی و بهبود کمیابی ها در جامعه و اصلاح قیمت های بازار (۷) تشویق و ترغیب بخش خصوصی به حضور در عرصه های اقتصاد و حاکمیت نظام حداکثر بهره برداری صحیح از منابع موجود (۸) ورود جریان های دانش مدار و نخبگان به مسایل اقتصادی و سیاسی کشور، جدا از سلیقه ها و نگرش های شخصی آنها و دخیل بودن نظرات کارشناسان خبره در تصمیم گیری های دولت (۹) اجرای تدریجی طرح پرداخت نقدی یارانه به صورت بلندمدت و رعایت تناسب و توأم بودن آن، با بهبود وضعیت زیرساختی اقتصاد.

در کنار مسایل فوق، یکی دیگر از معضلات طرح پرداخت نقدی یارانه ها، بی عدالتی در بار مالی ناشی از این سیاست است. متأسفانه اعمال این طرح، با کیفیت پرداخت مساوی برای همه افراد خانوار، با رقمی مثلاً ۸۰ هزار تومان و ایجاد تورمی در حدود ۵۰ درصد برای کل جامعه و تحمل بار مالی ناشی از این تورم، به طور یکسان برای طبقات فقیر و غنی جامعه، عادلانه نیست و این موضوع پیش از این نیز، در یارانه های غیرمستقیم وجود داشت. از طرفی، شناسایی گروه های «هدف» در جامعه که باید یارانه ها به صورتی عادلانه تر بین آنان توزیع شود، کاری دشوار می باشد. به عبارتی، نظام توزیع یارانه، باید بر اساس طبقه بندی گروه های خاص یا در زمینه تولید کالاهای خاصی صورت پذیرد که اولاً هنوز در تولید قابلیت رقابت نیافته اند و ثانیاً حمایت از آنها رفاه جامعه را افزایش می دهد. این جا است که مسأله ایجاد مزیت رقابتی، جایگاه خود را نشان می دهد و می توان، با ایجاد فضایی مناسب برای بنگاه های تولیدی در کشور که از مزیت نسبی برخوردارند ولی به مرحله رقابت جدی نرسیده اند، جایگاهی

برای رشد بنگاه، محصول و اقتصاد کشور فراهم آورد. در چنین فضایی، انحصارات شکسته شده و هزینه ها کاهش می یابند که این خود راهی برای کنترل و شاید به نوعی کاهش تورم می باشد.



این که در بسیاری از موارد، مثل انرژی، آنچه را که دولت ها از آن به عنوان یارانه یاد می کنند، مابه التفاوت قیمت های داخلی و بین المللی آن کالا است، در حالی که در مفهوم اقتصادی، یارانه اختلاف قیمت تمام شده کالا در داخل و قیمت پرداختی آن توسط مصرف کننده می باشد که با احتساب این تعریف و با توجه به مزیت های کشور، در تولید بسیاری از محصولات چون گاز، نفت، برق و غیره، می بینیم که یارانه پرداختی دولت با رقمی که یاد می شود، تفاوت فراوانی دارد، زیرا دولت محترم، در محاسبه یارانه ها، هزینه فرصت ها را

لحاظ نموده است.

در مجموع چنین به نظر می رسد که در شرایط کنونی، طرح پرداخت نقدی یارانه ها، علیرغم آثار مثبت نظری آن و دورنمای لذت بخشی که برای خانوار خواهد داشت، نه تنها از مشکلات اقتصادی کشور و بار مالی دولت نخواهد کاست، بلکه تبعات منفی جبران ناپذیری را نیز، به همراه خواهد داشت. امید است دولت محترم با بررسی های دقیق و موشکافانه تری نسبت به اجرای طرح مذکور اقدام نماید و با احتیاط بیشتر و با اهمیت به دلسوزی های کارشناسان اقتصادی، آن را به مرحله اجرا درآورد. ■

هدف یا وسیله؟

نگاهی به کشورهای توسعه یافته و اروپایی مبین این واقعیت است که این کشورها نیز، با سطحی از پرداخت یارانه ها، در برخی محصولات مانند محصولات کشاورزی و دامی مواجه هستند. این واقعیت نشان می دهد که صرفاً، عملیاتی شدن تصمیم «صفر کردن یارانه ها» در جامعه مطرح نیست، بلکه هدف چیز دیگری است که «کاهش یا افزایش یارانه ها»، ابزار تحقق آن می باشد. متأسفانه دولت نهم، نقدی کردن یارانه ها را هدف تلقی نموده و به آن نگاه ایزاری ندارد. مضاف بر

بایگانی مشکلات در ایران

چرا علیرغم این که طرح های مشابه طرح تحول اقتصادی دولت نهم، در دوره های گذشته، فراوان مطرح شده است، هنوز مشکلات در جامعه ایران به قوت خود باقی است؟

مشکلات اقتصادی کشور به عوامل متعددی بر می گردد که شاید اصلی ترین آنها به محتویات ذهنی سیاست گذاران مربوط باشد. به این دلیل که سیاست گذاران کشور، طی چند سال گذشته نتوانسته اند به یک پارادایم فکری هماهنگ و سازگار درونی برسند، در نتیجه به برخی از موضوعات پرداخته و برخی دیگر را واگذاشته اند. در عین حال، به موضوعاتی هم که پرداخته اند، لزوماً تقدم و تأخر آن را در نظر نگرفته و از آنجا که فضای تصمیم گیری و سیاست گذاری اقتصاد کشور به شدت سیاسی است، عواملی غیر از عوامل کارشناسی شده به وفور در تصمیم گیری ها دخیل بوده است. این مسأله سبب شده هیچ گاه مسیر کاملاً هماهنگ، مرحله بندی شده و سازگاری را در کشور شاهد نباشیم. آن چه در دنیا وجود دارد، این است که انجام اصلاحات اقتصادی کار بسیار دشواری است. حتی کشورهایی که سیاست گذاران آنها به درک خوبی از ریشه های مشکلات رسیده اند و سعی آنها بر حل هماهنگ مشکلات اقتصادی بوده و راه حل های مناسبی را پیدا کرده اند، باز هم مسیر سختی را در پیش دارند. در مورد کشور ایران به طریق اولی، چون این شرط لازم فراهم نبوده، سبب شده احساس کنیم هرچه زمان می گذرد باز هم در یک تار تودرتو و در هم تنیده ای از مسایل و مشکلات گرفتار شده ایم که بیرون آمدن از آن کار مشکلی است. در عین حال، نبود پاسخگویی مسؤولان و عدم توسعه متوازن اقتصادی - اجتماعی - سیاسی از دلایل دیگر بایگانی مشکلات است. آنچه که در طرح تحول اقتصادی آمده یک مجموعه عقلایی است و نمی شود انتظار داشت در مورد نرخ سود بانکی، غیرعقلایی عمل کنیم ولی در مورد قیمت انرژی عقلایی رفتار نماییم. عناصر مختلف در صورتی که کاملاً با هم هماهنگ باشند، نتیجه بخش هستند. در غیر این صورت ممکن است نتیجه کار، آنچنان که باید، قابل قبول نبوده و هیچ کس حاضر نباشد مسؤولیت عواقب کار را بر عهده بگیرد.